

میتواند مایون مایوس گردیده و شش ایشان و بانه نکت مایوس خواهد

تصحیح

افکار بدینکه نوهار هفتگی با چندی منتشر خواهد شد - لازم دانستیم يك اشتباه ادبی كه در شماره (۲۸) نوهار در ضمن قصیده دماوند واقع شده است تصحیح شود : در آخر قصیده يك بيت واقع شده كه در آنجا بين كوه (وزو) كه ولكان (یعنی) در آت و واقع شده بوده و كوه (آت) كه آتش فشان سبیل در سالیان اخیر در آن موقع پیوسته است اشتباه دست داده و این اشتباه هم مربوط یکی از فضاحت كه اصرار کرده بود - اثبات نماید كه قله آتش فشان سلسله (وزو) همان قله (آت) بوده - و غایت لذت (ولكان) كه در اصل شعر بوده است و لذت (آت) تبدیل یافته و يك اشتباه مزبور واقع واصل شعر مزبور بطریق ذیل اصلاح میشود :

چونانكه بشاوسان [بی] ، ولكان و اصل معنی افکند [استعدا داریم مشترکین محف و بیت را بدین طریق اصلاح بفرمایند - و فضایی قوم این تخری را بهر انفعالی بنگرد .

دفتر نوهار

اگر چه کابینه هم نمی دهم ما این کابینه را همیشه مجبور و صاحب معرفی نموده ایم بدین اقد و دست و دشمن هم برستی و محبوبیت رئیس الوزراء اکنون تصدیق دارند اما مثلاً فانه در این يك ماه و نیم كه زمام امور را در دست گرفته اند نتوانسته اند كه لا محضات خوشاودی اصلاح طلبان را جلب نمایند

حاصله ام - سررفت

رئیس الوزراء اکنون با كمال شرمندگی خطاب میکنند :

آقای رئیس الوزراء واقع حوصله من و حوصله عموم علاقه مندان بشما سررفت این چه وضعی است در سنی و محبوبیت شما جواب انتظارات اصلاح طلبان را نمیدهند

مردم منتظر بودند كه شما در هر چه زودتر يك اقداماتی بكنید كه دراز آزار اقدامات سر ناسر طهران بكنید سر ناسر ایران كسرت كه آزار همای و شادمانی آزادی خواهان و اصلاح طلبان كردد چنانكه شد

آقای رئیس الوزراء بر فرض آنكه موافقی برای اینگونه اقدامات در پیش داشته باشید املا شما بكنه وی شجاعت و مناعت و استقامت بخرج بدهید

آقای رئیس الوزراء از این وكلا بپیکه ابد روح ملت از جریان انتخاب آنها اطلاع ندارد شما چه و اینه دارید بر سر فرض دوز و كبل آمدند و شما گفتند كه وزراء جدید را امروز معرفی نمائید شما را چه و اینه است كه حرف آنها را بشنوید

آقای رئیس الوزراء شما خپل میخند كه فقط و كلاً صاحب اختیار اوضاع این مملكت هستند رای ما و اینه مكان (یعنی ما سلطنت كننده كان در افكار عامه) هیچ مداخله نداریم

خبر آقای رئیس الوزراء يك گوشه از كارهای مهم این مملكت كه مربوط به افكار عامه است كاملاً در دست ماست آینه بدینك اگر این رویه ها - سالی نو - نشا چند روز دیگر ادامه پیدا كند وای بر سال آینده !! سال آینده برای ما يك سال سی و تا سر عزو مائم خواهد بود اگر چند غلط دیگر این کابینه بخورد و يك چند مرتبه دیگر کابینه این پهلوان پهلوان بشود این دولت از میان خواهد رفت و نتیجه خون دل خوردن و زحمات پنج و شش ماهه يك عده يك باز آزادی خواه و بیخوش هوس رانی امثال حاجی میرزا علی محمد خواهد شد

كابینه مسئولی الممالك خواهد افتاد و يك كابینه ارتجاعی یا بریاست قوام السلطنه و با قوام الدوله و با دیگری امثال آنها تشكيل خواهند شد و انتخابات دوره پنجم مجلس به منفعت از انجاعهون تمام خواهد شد و در نتیجه مملكت بطرف يك ارتجاع سهمگین رجعت خواهد نمود شرط باشد عناصری برای وكالت دوره پنجم انتخاب كردند كه مردم روز چراغ برداشته دنبال نصرت الدوله ها و وثوق الدوله ها بگردند شرط باشد هپاك عجیب و غریب و قباغه های و اویلا هائی در كرسی های مجلس دوره پنجم به نشینند كه مردم از اجوت قباغه آنها به فیز و قومی و اویلا نمای مدرس پناه ببرند

ای بچه های انقلاب

ای اهلانكه در موقع انقلاب بچه بودید و مدرسه میرفتاید حالا بزرگ شده و از مدرسه بیرون آمده اید این است اوضاع مملكت و دیوان شما سر زمین شما

را باین روز نشاندند و حالا هم بهر طر این خرابی را شما بسایم نمی كنید و نخواهند افسوس انرا خراب كنید كه دیگر قابل تعمیر نباشد انوقت ما بسایم نمائید

رفقا برادرهای عزیز !

بناشد از حالا جای كبری بسایم رفقا خردمان را مشلم مفسدات نمائید و مفسدات مفسدان تبیل را نمائید اسیر نماید ولی مردمان فعال كمالاتی نوآیند حوادث را اسیر خود نمائید روزگار هم كوله صدقات و بلیات برای نوع بشر تهیه دارد

زمستان برف میبارد نمایان گر ماه را لخت میبندد

انسان تنبل كه در يكجا نشسته و از جای خود حرکت نمی نماید كه ملا اسیر روزگار و حوادث است یعنی برف زمستان روی او می بارد و افق تابستان بر او می نماید او هر چه بخواهد از قفس گداری زمانه ببالد بی ربط است

زیرا این حوادث برای مردمان فعال نهرست ولی مردمان فعال برای چاره كبری از صدها برف زمستان اطاف گرم تهیه میکنند و برای سیاحت از گرمای تابستان زیر زمين سرد

پس حوادث مردمان فعال را می تواند اسیر نماید و پس

و اینه بر مردمان فعال چندان فائقی نیست

این از ادب انقلاب شما كسر این حوادث را قضا و قدر و پیش آمد غیر قابل علاج بدانید وای بر شما و وای بر آینده این مملكت كه بالاخره زمانداران آتیه آن شدافند

ولی اگر بخواهید ایمان بیاورید بدانكه میتوان باندبر وفاء ملت از حوادث ناگوار چاره كبری كرد در صدد باشید

كه دست رجزال كه تا وفاسد دوره انقلاب را از كار گرفته كنید و خود شما كه هزار بار استعداء و ابتذال پیش از انقلاب بروی كار بیاورید و آنچه لازم جلب سعادت و ترقی و تمدن معاصر این مملكت است فراهم نمائید

رفقای عزیز

نگذارید كه زمانه شما را اسیر نماید شما زمانه را اسیر كنید من انانیم كه كسره تدبیر مملكت

تسلیم هرزه كرد قضا و قدر كنم زبر و ذر اگر انانیم كاخ خصم ما

ای جریخ زبر و ذری نو زور كنم

میرزا و شری

دارالشورای

خلاصه مذاكرات جلسه يكشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۰۱

مجلس دوازده ساعت قبل از ظهر برپا شد آقای مومنان الملك تشكيل صورت جلسه روز قبل قرائت و تصویب گردید

پس از آن لایحه امتیاز كل سرخ حاجی معین القجار و شاهی مطرح و دو ادول و دوم آن قرائت با اصلاحات لازمه تصویب گردید

ماده ششم قرائت و مذاكراتی در اطراف آن شده چون عده برای رای کافی نبوده

آقای رئیس جلسه را برای نفس تعطیل نمودند پس از نیم ساعت مجدداً جلسه برپا شد

آقای نایب رئیس تشكيل گردید آقای تدین عقیده شان این بود كه در لایحه مقدمی دولت قید شده كه صاحب امتیاز ملزم است سالی صد هزار تومان بدولت بپردازد

این مطلب را هیچ شخص عاقلی نمی پذیرد و ممكن است كه بالفرض اگر هم او سلب منفعت خود نموده و حاضر شود این مبلغ را در سال تادیه كند حوادث و رخ دهد كه شخص صاحب امتیاز از پرداخت این مبلغ معذور شود باید در هر صورت عادلانه رفتار شود به عقیده من بهترین است

كه حاجی معین القجار ابتدا دعای خود را قیامت بدولت اقامت كند و پس از آن در موضوع امتیاز هم دولت بدارند امتیاز شركت كند و سدی بجاه از عایدات در سال بدولت بپردازد با الاخره در این موضوع پیشاهاد از زیادی از طرف بعضی از آقایان شده و هر يك مباحثی در اطراف آن بیانات نموده و هیچ كدام

قابل توجه واقع نشده و بنا صل ماده پشاهانی كمسیون رای گرفته و تصویب شد

آقای رئیس الوزراء و هیئت دولت

مقارن ظهر برای معرفی آقایان بهاء الملك و حاجی معین السلطنه و ادب السلطنه به مجلس آمده ولی در جلسه حاضر نشدند

از آقای نایب رئیس بایشان ابلاغ شد كه در جلسه برای معرفی آقایان حضور بفرمایند و از قرار واسطه مخالفت بعضی از آقایان از حاضر شدن در جلسه امتناع ورزیده و جلسه آتیه بصر امروز موکول شده مجلس شنبه یافت

مذكرات بی نسیم سكو

مورخه ۱۷ مارس

در جمهوریهای ساقی

سكو ۱۴ - بمناسبت جشن بیست

پنجمین سال تاسیس حزب كمونیست روس

(بالشویك ها) كمیته مرکزی حزب بپالیه

خطاب برنجبران و دهاقین روسیه انتشار داده و در ذیل آن اشعار میدارد كه در مدت میازوه بیست و پنج ساله حزب كمونیست

علاقه زیادی با كارگران بهم رسانده و حتی مرجع كارگران بطرف واقع گردیده رفیق یوخادین در

صفحه ۳۴

عشق فوق العاده باو داشتم ولی چو بی بود و از عشق به بیس فوق العاده لذت بیکم اظهار نمی كردم شش ماه است پیش من است خیل ماهونی است اعجب دواها را می شناسد من نیل میكنم اگر چه و پنج سال نزد من بماند تصور میكنم بیشتر من اطلاعات در طب پیدا کرده و بیک دكتر خری بشود

حاجی - آخر من الان بكسالی نیم است این به و اندیشه ام حالا بیشتر دست از او بردارم

بچه گدا - اگر بخوای بیور من و او از نزد هانگ بیوری من خودم را خواهم داشت

دكتر - من هم اگر بخواهم غزال را برونه و از من جدا كنید خود را مسموم خواهم كرد

حاجی - چه عیب دارد موافق قانون با بكدگر زندگانی كنید و برای من عیب نیست و بخار است و دخترم را پیش شما آدمی شوهر داد ام

دكتر - امیب واردم كه در ظل سرحت شما با بكدگر عبادت مند زندگانی كنم

دكتر - غزال - (با مقام میفرماید)

بعد از این شكر شادمانی است شادمانی است كامرانی است

روزی از كند كینه روزگار روز د بگوش مهربانی است

گفته دیگر بجهار و چند اذیت کردی بملوه هون مشه‌بی قنبر و او دزد بی
حالا باز حرف دادی الان آژان تو را بد پیرد عیارات شوی

اعلان

تذکر

انتخاب در یکی از جراید در قیل قسمت ادب انشاء شده بود با
 (حسن سینی) نظر اینکه این صاحب سالها است که برای ادبی
 معروفیت فایده خود را انتخاب کرده و در همه جایان نام شناخته شده است
 چند این انشاء عزیز را تذکر می دهیم از انتخاب نام عاقلانه دیگران بپرهیزد
 از آنکه در مورد و برای خاص ادبی با نام کامل خود که دیگر انتخاب کند و در ادبی

منظور اولا که باشد ولی در سایه و پرچم
 لوی جمعیت اجتماعیهون مازندران این
 قیل اشخاص از وکالت محروم خواهند
 شد
 ۳ - شاهزاده نظام السلطنه حکومت
 بار فروش از آنجا که قوم و خویش
 قوام السلطنه میباشد با تمام قوا حاضر
 و جدید می نمایند که قوام السلطنه را
 مجدداً مساندت حال قیل بگری و کالت
 بنشاند
 ۴ - محمد جعفر معین الزها بیا
 در بندی نو قیل و این قیوم بدون
 محاکمه لطمه بزرگی آزادی مملکت وارد
 آورده است
 هیئت اجتماعیهون مازندران در بار
 فروش بیان نامه منتشر و یک ورقه آن را
 به اداره مافرساده اند اما نظر به شوق صفحات
 از درج آن مودرت می خواهیم
 قرن بیستم

محاکمه داد قوام السلطنه

آقای مدیر محترم:

تا بحال يك هفته است که عرض حال و شایسته در عدلیه داده ام از
 السلطنه و بعد از چند روز رفت و آمد به هیئت مشاوره اداری محول
 آقای وزیر عدلیه بعد از دقت زیادی رای دادند که بایستی در
 مجلس شود و با اجازه مجلس ایشان را جالب به محاکمه نمود
 آقای مدیر:

استدعا دارم که حضرات عالی قلمه این قانون را بیان بفرمائید که چه
 بگنفر وزیر دیواکیر را با طبقه سوم فرق گذاشته اند چیست
 آیا در شرع محمد بین فقیر و غنی يك همچو فرقی گذاشته شده که بیکر
 به محاکمه جنب و در حق دیگری احوال و تملک کنند
 و ما از مقام محترم رئیس مجلس و وکلای صالح تمنا میکنیم که تقاضای
 فوری وزیر عدلیه را در خصوص محاکمه قوام السلطنه فوراً بدهند
 سید حسن سبط الشیخ

خطاب

باز از بخوانان قدر شناس
 آقای مدیر محترم مجاهد غیور اسلامی
 که در فتوحات صدر مشروطه خدمات قابل
 تقدیری بروز داده و درین چند ساله به
 واسطه يك دامن و خاصیت کمالا از
 همی ساقط و بسبب مشاهده اوضاع ناوار
 وطن و خرابکاری و فساد اخلاق بعضی آزادی
 خواهان صنوعی مایوس و دوجار امراض قلبی
 و درونی گردیده حال بهر مرخصی و ادای
 در تحت عاجز است و خوارده اش بر ایشان
 حال وی می باشد
 آقایان قدر شناس و علاقه مندان وطن
 مخصوصاً مسند نشینان دولت و ملت از وزراء
 و کلا این است که بجهت خدمت و با کمالی
 و شما آقای سیدالار اعظم و نظام الدوا
 حکمران و کلاه آزادی خواهان و سایر مشروطه
 خواهان استفاده چی راند گرمی و محبت و رفع
 بروز محبت و ابراز قدر شناس است
 غرضی غیری
 معنی آید انالی حسین غنی مجاهد و غنی

مکتوب از بار فروش

۱ - حکومت کل آقای امیر اکرم
 تا کنون در بار فروشی متوقف و مشغول
 گردش و گیت خود میباشد
 ۲ - بنا بر اطلاعات چون نمایان
 مجلس شورای نزدیک و در همین زودیه
 مشغول انتخابات جدید خواهند شد لذا از
 طهران بجوای ساری مبلغ دو هزار تومان
 وجه توسط کاشانه آقای امیر حکومت
 بار فروش رسیده و از حالا مشغول در
 کاری میباشد و حدس فوری می رود که این
 مبلغ از یارک قوام السلطنه خارج شده باشد
 - آقای آقا شیخ جعفر نقه الاسلام بار
 فروش هم صدای وکالت بگوشش رسیده

مستاد بی

هر رواج می و عمل جنگ می کنم
 بامدی بگری که ای بد منشی ترا
 مشت از عقیده بردهن خصم میزنم
 با نیروی عقیده می حمله می برم
 بر سر شکستن دهن شیخ یا وه کدو
 صد نقشه بر نقشه آبادی وطن
 بادست خود زخون همه رخساره جهان
 کاروان چروان برایشان و درم است
 سید محمد نقی بهستانی متخلص به برایشان



صفحه ۳۶

(همه حصار فانی)

به آزان این قران های بر سخته با بد عجاوالت شود
 آزان دست نریان علی را گرفته کتان میبرد
 (دگر و نمرال) با مقام یا همه حصار میخواند
 بد از این دگر شادمانی است
 شادمانی است عکا مرانی است
 دوزی او کند کینه روز کار
 دوز دیگرش مهربانی است
 دارد عمر مرد یا دکارها
 عشق یا دکار جوانی است
 بخواب آمد شب مرا خواب
 چه خواب امشب تعبیر شد این خواب
 باقبال آفرین به بخت احسن
 شدم من مال و تو مال من
 پرده می افتد

آقای سیدالار بار خودش را بار کرده و از
 مشروطه آزادی آنجا باید کجایی بکنند کرده
 است - آفرین هم کاسم برده اید هر کدام بنویس
 خود آب و آجایی از انقلاب و زخرف مشروطیت
 برای خودشان تهیه کرده اند و در این شهر
 هم آدمها فوت و غیر تمندی ماسراغ نداریم
 گمان میکنیم اگر وجود داشت سیدالارها
 اینطور آزادانه دوشهر گردش نمی نمودند
 امیر انتشار هم آودید و راحت
 يك بابی خلی عکس عدلیه دارد و
 استیفاء و تمیز دارد نمی توانستند بنشینند
 آقای شمور از قول این نویسنده
 بگویند حالا چند سالی سیر کیم و قهریده
 تا تو فیک ماجراهای روی کارا بزم و انقام
 چندین ساله شمارا از سیدالار ها و امثال
 بگویم
 و اگر عرض روی کار آمدن اما چند
 سال دیگر نشان نداریم ما هم می آئیم
 مرخصی خدمت آقای شمور خان که از
 آنجا بافتی ایشان ما را به پیغام های آب
 انبار فامه نشان تسلیم نمایند و فیض رسیده
 بگویند
 نویسنده قرن بیستم

صفحه ۳۷

ای فسیله فسیله فسیله
 ای خدایک تو را من ندیده
 ای علاج دل ای داروی درد
 همه گریه های شبانه
 با من سوزد در جبهه کاری
 جیبی ای تون از افکارها
 ای نشسته سر و هکترها
 از بسرها همه ناله دارند
 ناله تو همه از پدرها
 تو که ای؟ ماریت؟ پدر که؟
 چون ز گهواره بیرون آورد
 مادرم سر گذشت تو من گفتم
 بر من از رنگ روی تو می زد
 دیده از جنبه های تو می خفت
 می شدم پیش و محو مرقون
 رفتی رفتی که ره او فامدم
 از بی بازی بچسبیده
 هر زمانی که شب می رسیدی
 و لب چسبیده و درود خانه
 هر گجا فک تو می شنیدم